

Regularity and Measurements of Intelligent Activities in Shiite Political Jurisprudence

Received: 2022-02-08

Accepted: 2022-06-08

Seyyed Sajjad Izdehi *
Seyyed Ali Asghar Alavi **

Intelligence activities are necessary for every government. However, since they may involve religiously illegitimate behaviors, they pose a challenge to an Islamic political system that is based on Sharia. This is why the issue has drawn the attention of scholars in the field of jurisprudence, particularly the issues of Islamic governance, ideal administration of the society, and efficiency of the Islamic government. The present study is conducted in terms of political jurisprudence, drawing upon the descriptive-analytical method and the methodology of ijtihad. It seeks to account for the Sharia-based legitimacy of intelligent agents in Islamic jurisprudence and the efficiency of the Islamic government in overcoming its adversaries in intelligence matters to achieve the Islamic objectives in governance. To be sure, agents involved in intelligence activities may be committed to Sharia-based, rational, or commonsensical regulations such as justice, protection of the order, maximal conformity to Sharia, conformity to collective reason, moderation, realization of religious objectives, exigencies, and protection of the lives of Muslims. Assuming that intelligence operations in the Islamic government are intended as means of overcoming the enemies and protecting the Islamic system, this research distinguishes the apparently illegitimate acts of intelligence agents into individual and governmental acts and highlights the primacy of refraining from committing anti-Sharia



* Professor, Research Institute for Islamic Culture and Thought, Qom, Iran. sajjadizady@yahoo.com.

** Advanced level seminary teacher; Research Institute for Islamic Culture and Thought, Qom, Iran (corresponding author). alaviedetaha@gmail.com.

behaviors. Moreover, it shows that individual and governmental anti-Sharia practices are acceptable only if they fall under general jurisprudential principles and criteria, serving the ultimate purposes of Sharia.

Keywords: Intelligence activities, Shiite political jurisprudence, security, spying.



ضابطه‌مندی و سنج‌های فعالیت‌های اطلاعاتی در فقه سیاسی شیعه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۳/۱۸

سیدسجاد ایزدهی^۱

سیدعلی اصغر علوی^۲



فعالیت اطلاعاتی از جمله امور لازم در هر حکومتی، است؛ اما از آن‌جاکه این فعالیت، گاهی مستلزم اعمال رفتارهای غیرشرعی است، از مؤلفه‌های چالشی در نظام سیاسی اسلامی مبتنی بر رفتارهای شریعت‌مدار است. به همین علت است که بحث مذکور، در حوزه‌ی فقهی و در خصوص مباحث حکمرانی اسلامی، اداره‌ی مطلوب جامعه و کارآمدی حکومت اسلامی، مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. تحقیق حاضر در چارچوب فقه سیاسی، بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر روش‌شناسی اجتهاد، درصدد تبیین رویکرد حجیت شرعی رفتارهای کارگزاران فعالیت‌های اطلاعاتی در فقه اسلامی و کارآمدی نظام اسلامی در فائق آمدن بر دشمن در حوزه‌های اطلاعاتی و وصول به غایات اسلام در حوزه‌ی حکمرانی است. طبعاً فعالیت اطلاعاتی در صورتی می‌تواند از سوی کارگزاران اطلاعاتی مورد استفاده قرار بگیرد که مقید به ضوابطی برآمده از شریعت، عقل یا عرف باشد که از آن جمله می‌توان به ضوابطی چون عدالت‌ورزی، حفظ نظام، انطباق حداکثری بر شریعت، انطباق بر خرد جمعی، اعتدال، تحقق غایات شرع، مصلحت‌سنجی و حفظ جان مسلمانان، اشاره کرد. با افتراض فعالیت‌های اطلاعاتی در نظام اسلامی در راستای برتری جویی بر دشمن و حفظ نظام اسلامی، ضمن تفکیک رفتارهای به‌ظاهر مخالف شریعت کارگزاران اطلاعاتی به رفتارهای فردی و حاکمیتی و تأکید بر اصل عدم ارتکاب رفتارهای غیرشرعی، در این تحقیق نشان

۱. استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران. (sajjadizady@yahoo.com).

۲. دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم و پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

(alaviedetaha@gmail.com).



داده می‌شود که تنها مواردی در حوزه‌ی امور فردی و حاکمیتی قابل قبول خواهد بود که رفتارهای اطلاعاتی از سوی کارگزاران حکومتی، ذیل ضوابط عامّ فقهی قرار گرفته و در راستای تحقّق غایات شریعت به کار گرفته شود.

کلیدواژه‌ها: فعالیت‌های اطلاعاتی، فقه سیاسی شیعه، امنیت، جاسوسی.

مقدمه

از مباحث اساسی و چالش‌برانگیز در فقه سیاسی شیعه، مسئله‌ی ضوابط فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی است. از دیرباز، تأمین امنیت، به‌عنوان یکی از نیازهای مهم حکومت‌ها، موردتوجه حاکمان بوده است و براین اساس، دولت‌ها در راستای رفع نیازی‌های حکومتی خود و ایجاد مصونیت در برابر نفوذ دشمنان، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات و اخبار می‌نمودند. حوزه‌ی اطلاعات و امنیت، همواره در ساختار نظام‌های سیاسی مورد عنایت بوده است، چراکه هیچ نظام و حکومتی بدون داشتن دستگاه اطلاعاتی مقتدر، نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد و کشورهای ضعیف از جهت اطلاعات و امنیت، غالباً در برابر تهدیدات و خطرات، متحمل آسیب‌های جدی می‌شوند. فقه سیاسی شیعه که در طول سده‌های متمادی، صرفاً پاسخگویی به نیازهای مسلمانان شریعت‌مدار را بر عهده داشته و عملاً پای خود را در حوزه‌ی نظام سیاسی نگذاشته بود، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پی‌ریزی حاکمیت نظام سیاسی مبتنی بر آموزه‌های شریعت، به جهت مواجهه با پرسش‌ها و نیازها در عرصه‌های گوناگون جامعه، گام را از حوزه‌ی فردی فراتر گذاشته و به حوزه‌های سیاسی و اجتماعی و امنیتی، به‌صورت نظام‌مند ورود کرد. در این میان، مقوله‌ی فعالیت‌های اطلاعاتی که بعضاً همراه با انجام کارهایی است که ظاهر غیرشرعی دارند، به جهت نقش آن در فرایند اداره‌ی مطلوب امور نظام سیاسی و صیانت از آن در برابر رخنه‌ها، در عرصه‌ی فقه سیاسی موردتوجه قرار گرفت؛ بنابراین، تبیین ضوابط شرعی حاکم بر این نوع عملیات‌ها نیز امری مهم و ضروری تلقی می‌شود.

با توجه به این‌که اصولاً فعالیت‌های اطلاعاتی مشتمل بر امور جاسوسی از دشمنان و تجسس از برخی شهروندان، مستلزم ارتکاب اعمالی است که به‌ظاهر مخالف احکام شریعت و اخلاق و حتی قانون است، حکومت‌ها، در مواردی که ناظر به ضرورت فعالیت‌های اطلاعاتی باشد، حکم به جواز آن کرده و سازمان‌هایی را بدین جهت تأسیس و اداره می‌کنند.



این در حالی است که در انجام فعالیت‌های اطلاعاتی، اصل، احتیاط بوده و نمی‌توان به صورت گسترده به اعمال آن‌ها مبادرت ورزید؛ اما از آن‌جا که حفظ نظام، حفظ امنیت جامعه و نیز غلبه بر دشمنان، مستلزم فعالیت‌های اطلاعاتی است و نیز از آن‌جا که فعالیت فعالان اطلاعاتی گاهی می‌تواند به ارتکاب امور غیرشرعی انجامیده یا امور خصوصی شهروندان را نقض یا تحدید کند و یا حتی در حوزه فعالیت‌های جاسوسی نسبت به دشمن، مرتکب بعضی امور غیراخلاقی و غیرشرعی بشود، لازم است ضوابطی بر فعالیت‌های اطلاعاتی حاکم شود تا با کم‌ترین تعرّض نسبت به شهروندان و بدون ارتکاب خلاف شرع و اخلاق، انتظام جامعه‌ی اسلامی حفظ شده و کشور اسلامی از گزند تعرّض دشمنان مصون بماند. براین اساس در تحقیق پیش رو، چارچوبی کلان برای ضوابط اطلاعاتی در نظر گرفته شده است که از یک سو مشتمل بر ضوابطی است که عقل قطعی در حوزه‌ی حکمرانی نسبت به جواز ارتکاب آن حکم می‌کند و از سوی دیگر، بسیاری از فعالیت‌های اطلاعاتی را از اموری می‌داند که در سایر جوامع، مستند به بنای عقلا انجام می‌شود و با مبانی دینی منافاتی ندارد. ضمن این‌که علاوه بر دو مورد فوق (ضوابط عقلی و عرفی) ضوابطی نیز وجود دارد که برآمده از ضوابط شرعی بوده و فعالان اطلاعاتی باید آن ضوابط را در رفتارهای خویش ولو در اموری که در قالب احکام ثانوی مجاز برشمرده می‌شود، مراعات کنند. لذا این تحقیق، ذیل ساختاری جامع و بدیع، به برخی از ضوابط کلان حوزه‌ی رفتارهای اطلاعاتی در سه قالب عقلی، عرفی و شرعی می‌پردازد. طبعاً این سه قالب، ضوابط کلان رفتارهای اطلاعاتی نبوده بلکه چارچوب‌های کلانی هستند که ذیل هر کدام می‌توان ضوابطی را ناظر به این سه عرصه‌ی کلان برشمرد.

این تحقیق در چارچوب فقه سیاسی و بر اساس روش توصیفی و تحلیلی مبتنی بر روش‌شناسی اجتهادی، درصدد تبیین رویکردی مبتنی بر حجیت شرعی در فقه اسلامی در رفتارهای کارگزاران فعالیت‌های اطلاعاتی و کارآمدی نظام اسلامی در فائق آمدن بر دشمن در حوزه‌های اطلاعاتی و وصول به غایات اسلام در حوزه‌ی حکمرانی است. براین اساس، ضمن این‌که از عقل قطعی در حوزه‌ی اجتهاد استمداد شده و ضوابطی متخذ از عقل مستقل در این راستا، به دست آمده است، از بنای عقلا و تجربه‌ی موفق جوامع دیگر در خصوص ضوابط فعالیت‌های اطلاعاتی که مؤید به امضاء و رضایت شارع است نیز استفاده شده است و درعین حال، برخی از ضوابط را برگرفته از نصوص و دلالت‌های منقول از اهل بیت علیهم‌السلام ارائه کرده است. لذا سنخ روش‌شناسی اجتهادی مدّ نظر این تحقیق، ناظر به حوزه‌ی مباحث



عقلی، عرفی و شرعی، با استناد به مبانی عقلی، عرفی و شرعی فقه صورت گرفته و به سامان می‌رسد.

این پژوهش در راستای پاسخ به پرسش از چیستی ضوابط حاکم بر فعالیت‌های اطلاعاتی، ضمن این که بر اصل ضابطه‌مندی رفتارهای اطلاعاتی تأکید می‌کند، بر این باور است که فعالیت‌های اطلاعاتی در صورتی می‌تواند از سوی کارگزاران اطلاعاتی نظام اسلامی مورد استفاده قرار بگیرد که مقید به ضوابطی برآمده از دین و شریعت باشد. بر اساس چارچوب‌ها و قالب‌های کلان سه‌گانه‌ی فوق، این ضوابط می‌تواند مشتمل بر ضوابط متعددی چون عدالت‌ورزی، حفظ نظام، انطباق بر خرد جمعی، اعتدال، تحقق غایات شرع و ... باشد و این تحقیق، در راستای ارائه‌ی برخی از این ضوابط، سامان یافته است.

باید افزود تأمل در فقه و مذاق شریعت به ما نشان می‌دهد فعالیت‌های اطلاعاتی در عرصه‌های مختلف مشتمل بر قیود ممنوعه بوده و از حدود خاصی برخوردار است. اساساً فعالیت اطلاعاتی در صورتی می‌تواند از سوی کارگزاران اطلاعات و امنیت با تکیه بر مصلحت‌سنجی و یا حفظ نظام و ... مورد استفاده قرار بگیرد که حدود و قیود ممنوعه‌ی شرع مدّ نظر قرار گیرد. با عنایت به این که فعالیت‌های اطلاعاتی، در نظام اسلامی با رویکرد حکمرانی دینی، منشأ الهی دارد و در راستای تأمین امنیت، باید با اهداف غایی اسلام و احکام شریعت، انطباق داشته باشد، از این روی، فعالیت‌های اطلاعاتی، بدون در نظر گرفتن حدود و قیود شرعی، قابل توجیه نبوده و نمی‌توان حجیت آن را تضمین کرد. اگر بر اساس برخی ملاکات، جواز این نوع از مسائل مطرح می‌شود، باید به حد ملزمه برسد و فهم این دست از مسائل بر عهده‌ی فقیه زمان شناس خواهد بود. مطابق این معنا، صیانت حریم خصوصی افراد و آبروی مؤمن، از مسائل مهم و مورد تأکید شریعت است و نباید مورد تعرّض دیگران قرار گیرد.

گرچه می‌توان به پیشینه‌ای در خصوص این تحقیق اشاره کرد، لکن باید گفت که نگاه‌هایی که در این خصوص وجود دارد عمدتاً ناظر به اصل جواز فعالیت‌های اطلاعاتی یا کاربرد برخی از قواعد فقه در این حوزه هستند. به‌عنوان نمونه می‌توان به «مجموعه مقالات اولین همایش ملی فقه اطلاعاتی»، تألیف شده از سوی گروهی از نویسندگان (۱۳۹۵)، «مبانی فقهی جاسوسی و ضد جاسوسی»، نگاشته شده توسط نجم‌الدین طبسی (۱۳۹۳)، مقاله‌ی «بررسی ورود به حریم خصوصی در فعالیت‌های اطلاعاتی - امنیتی در چارچوب اصول و قواعد فقهی»، اثر مشترک مرتضی و یاسر سلیمانی، مقاله‌ی «جایگاه مصلحت در

فعالیت‌های جاسوسی»، تألیف سید سجاد ایزدهی (۱۳۹۶) و مقاله‌ی «جواز جاسوسی برای نظام سیاسی در فقه شیعه»، نگاشته شده توسط سیدعلی اصغر علوی (۱۳۹۷) و ... اشاره کرد. لکن به نظر می‌رسد بحثی با محوریت ضوابط حاکم بر فعالیت‌های اطلاعاتی، دارای پیشینه‌ای مکتوب نیست. براین اساس، نه فقط ورود به ضوابط حاکم بر فعالیت‌های اطلاعاتی را می‌توان دارای بداعت دانست بلکه صورت‌بندی جامعی که در خصوص ضوابط حاکم بر عرصه‌ی اطلاعاتی در این تحقیق ارائه شده است را می‌توان از نوآوری‌های این تحقیق برشمرد.

۱. ضابطه‌مندی رفتارهای اطلاعاتی

رسالت و هدف غایی حکمرانی اسلامی، فراهم ساختن جامعه‌ای مطلوب و ایده‌آل و نهادینه کردن رفتارهای اسلامی منطبق بر شریعت اسلامی است که از طریق تحقق اموری چون: تأمین امنیت جامعه‌ی اسلامی و اجرای حدود و قوانین الهی صورت می‌پذیرد (طیسی، ۱۳۹۳، ص. ۱۶۵) و از آنجا که فعالیت اطلاعاتی کارگزاران امنیت، چه در حوزه‌ی داخلی و چه در عرصه‌ی خارجی و در عملیات‌ها و شرایط خاص و در راستای غلبه بر دشمن یا عدم شناسایی، بعضی مستلزم رفتارهای به‌ظاهر غیرشرعی است، لذا بحث از ضابطه‌مندی فعالیت‌های اطلاعاتی و منضبط ساختن آن در عرصه‌ی نظام سیاسی، از وظایفی است که از سوی اندیشمندان عرصه‌ی فقه سیاسی، مورد توقع و انتظار است.

فعالیت‌ها و رفتار کارگزاران اطلاعاتی در سال‌های دور، به خاطر بساطت جوامع و پیچیده نبودن رفتارهای حکومتی، بسیار ساده و محدود بوده است اما در عصر حاضر، در سایه‌ی تحوّل فناوری‌های جدید، گستردگی رفتارهای حکومتی و تخصصی شدن بسیاری از امور حاکمیتی، وسیع و پیچیده شده و تنوع بسیار یافته است. از آن‌جا که فقه، پاسخ‌گوی نیازهای روزآمد هر جامعه و در هر شرایطی است، به‌مثابه‌ی نرم‌افزار اداره‌ی مطلوب جامعه، باید بتواند ناظر به شرایط حاضر و پیچیدگی‌های موجود در جامعه‌ی مدرن، پاسخی متناسب با شرایط و نظام اداره‌ی جامعه ارائه نماید. فعالیت‌های اطلاعاتی چه در عرصه‌ی داخلی و چه در حوزه‌ی خارجی، به جهت مواجهه با افراد گوناگون و ورود به موقعیت‌های حساس و برخورد با گروهک‌های مختلف، با دشواری‌های فراوانی روبرو است؛ لذا نقش فقه در این عرصه و ارائه‌ی ضوابط مناسب نباید نادیده گرفته شود. همچنین تأمل در فقه به ما نشان می‌دهد که حریم خصوصی افراد، مشتمل بر امور مختلفی مانند جان، مال و آبرو، جنبه‌ی شخصی دارد و نباید مورد تعرّض دیگران واقع شود. حریم شخصی، محدوده‌ای اختصاصی دارد و ورود و



۳



تعرض به آن، بدون توجه به ضوابط حاکم بر آن، موجب نادیده گرفتن شریعت و گاه از بین رفتن آبروی مؤمن خواهد شد.

از سوی دیگر، اساساً اصل ضابطه‌مندی، یکی از اصول مهم در نظام هستی بوده و ضرورت ضابطه‌مندی رفتار آحاد جامعه‌ی بشری، از قانون‌مندی جهان هستی نشأت می‌گیرد؛ چراکه جهان هستی بر اساس نظم و قانون و عدالت سامان یافته است: «بالعدل قامت السموات و الارض»، «تمام آسمان‌ها و زمین با عدالت برپا است» (ابن ابی‌الجمهور، ۱۴۰۵ق، ج. ۴، ص. ۱۰۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج. ۵، ص. ۱۰۷). طبعاً مراد از عدالت، مشتمل بر گستره‌ی وسیعی خواهد بود که تحقق نظم و قاعده‌مندی در مجموعه جهان هستی را نیز باید از مصادیق آن برشمرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج. ۴، ص. ۴۸۸). در هر نظام اجتماعی، می‌بایست همگان تابع قوانین و مقرراتی عام و فراگیر باشند تا نظام جامعه بتواند بر محور آن قوانین حرکت کند. براین اساس، رفتار همه‌ی مردم می‌بایست منضبط به قانون، به مثابه‌ی ضوابط و قواعد رفتار اجتماعی باشد و از آنجاکه کارگزاران نظام سیاسی و رفتار آن‌ها تأثیر مضاعفی در زندگی مردم داشته تا جایی که ارزشیابی نظام سیاسی به ملاک رفتار کارگزاران سنجیده می‌شود، لذا رفتارهای آنان نمی‌تواند فارغ از ضوابط و مقررات ناظر به ارزش‌ها و قوانین حاکم بر جامعه باشد. طبیعتاً هرچه جایگاه و تأثیر رفتار کارگزاران نظام اسلامی، بیش‌تر باشد، ضوابط حاکم بر رفتار آن‌ها نیز باید بیش‌تر و متناسب با آن حوزه‌ی کارگزاری باشد. براین اساس، از آن‌جا که فعالیت‌های اطلاعاتی مشتمل بر رفتارهایی است که به‌ظاهر مخالف شریعت بوده و این کارگزاری چه‌بسا مستلزم برخی از این رفتارها باشد، لذا باید این فعالیت‌ها در چارچوب ضوابطی مشخص قرار گرفته و در این خصوص ضمن این‌که از قانون‌گریزی و فقدان انضباط جلوگیری شود، محدوده‌ی ارتکاب امور غیر منطبق با موازین دینی نیز تبیین شده و ضوابطی برای آن در چارچوب احکام ثانوی یا اضطراری در نظر گرفته شود.

براین اساس، ساختار و سامانه‌ای نظام‌مند در حاکمیت اسلامی، عملکرد کارگزاران اطلاعاتی را با موازین شرعی منطبق می‌سازد و علی‌رغم تنظیم رفتارهای کارگزاران اطلاعات در برخورد با دیگران، در برون‌رفت از معضلات جامعه اطلاعاتی و ترسیم اصولی منطقی منطبق با موازین شریعت، فراروی آنان قرار می‌دهد. بنابراین بایسته است تا فرایندی طراحی گردد که دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی در عین حال که در راستای حفظ نظام اسلامی تلاش می‌کنند، در فعالیت‌های خود از روش‌های ضابطه‌مند استفاده کنند.

۱-۱. ابتدا بر مصالح کلان

با وجود این که دولت به جهت حفظ امور اساسی جامعه مانند امنیت، ناگزیر از ایجاد سیستم اطلاعاتی بوده و مبادرت به فعالیت‌های اطلاعاتی در سایه‌ی تحقق این امور می‌کند، از آن جا که این گونه فعالیت‌ها معمولاً مستلزم رفتارهایی خلاف قانون، شرع یا عرف است، باید این رفتارها در سایه‌ی مراعات سنجه‌هایی، همچنان ذیل ضرورت رفتارهای اطلاعاتی، موجه باشد. از جمله اموری که ذیل رفتارهای اطلاعاتی باید مورد توجه قرار بگیرد، انطباق این رفتارها با مصالح کلان جامعه‌ی اسلامی است. مصلحت به معنای منفعتی که شارع حکیم آن را برای حفظ دین و نفوس و عقول و نسل و مال بندگان در نظر گرفته است (بوطی، ۱۴۱۲ق، ص. ۲۷) از جمله مهم‌ترین مفاهیمی است که در فقه سیاسی شیعه مورد بحث واقع شده است (ر.ک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص. ۲۸۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج. ۲۱، ص. ۴۹). مصلحت، در سالیان اخیر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به تأثیر این عنصر در حوزه‌ی نظام سیاسی، ظهور و نمود فراوانی یافته است. عنایت به عنصر مصلحت در نظام سیاسی از آن رو است که اداره‌ی کلان یک جامعه معمولاً با تزاوجات و تعارضاتی مواجه است که بعضی به مشکلات و بحران‌هایی می‌انجامد و حاکمان برای برون‌رفت از این مشکلات و در راستای اداره‌ی مطلوب نظام سیاسی، باید مصلحت‌اندیشی و اولویت‌بندی در سیاست‌گذاری‌های خویش بنمایند. چون عرصه‌ی فعالیت‌های اطلاعاتی که از یک سو از ضروریات یک جامعه محسوب می‌شود و از سوی دیگر، گاهی مستلزم رفتارهایی ظاهراً خلاف شرع، عرف و قانون است، در نظام اولویت‌گذاری توجیه می‌شود، از ارتباط تنگاتنگی با حوزه‌ی مصلحت برخوردار خواهد بود. این رفتارها در صورتی موجه و مطلوب است که مبتنی بر مصلحت بوده و در نهایت، مصالح کلان جامعه و نظام اسلامی را در پی داشته باشد.

ضرورت رفتارهای اطلاعاتی و مجاز برشمردن آن، در گستره‌ی احکام ثانوی یا احکام حکومتی، در صورتی موجه است که این رفتارها در چارچوب اصول و ضوابطی مشتمل بر ضوابط عقلی، عقلانی (عرفی) و شرعی قرار گرفته و ضمن این که بتوانند مصالح کلان جامعه و نظام اسلامی را تأمین کند، در حوزه‌ی امور غیرمجاز و غیرشرعی داخل نشود. این امر اقتضا می‌کند که رفتارهای جاسوسی از دشمن، و تجسس‌های مجاز نسبت به امور داخلی کشور، مقید به ضوابطی باشد که فعالان این عرصه را از برخی رفتارهای غیرشرعی مصون نگه داشته و موجه بودن رفتارهای آن‌ها را تضمین کند. این که رفتارهای مذکور، ضابطه‌مند بوده و ذیل مصالح کلان و خرد نظام اسلامی قرار داشته باشد، از مهم‌ترین امور شمرده





می‌شود. برآیند مصلحت‌اندیشی در حوزه‌ی عملیات اطلاعاتی، علاوه بر این که می‌تواند به ارتقاء کارآمدی نظام سیاسی اسلامی در تنظیم رفتاری‌های کارگزاران نظام، بیانجامد، می‌تواند به آرامش روحی و روانی شهروندان و کارگزاران اطلاعات در ضابطه‌مندی این رفتارها کمک کند.

امام خمینی (ره)، در این راستا در عین آن که از فرایند مصلحت، به‌عنوان ضابطه و مبنای کار رهبری جامعه‌ی اسلامی سخن گفته، جایگاه مصلحت را در اندیشه‌ی فقهی - سیاسی خود ترسیم نموده است. امام خمینی (ره) در راستای استدلال برای حفظ نظام بر این باور است که مصلحت اسلام یا مسلمانان باید محور سیاست‌گذاری‌های کلان در نظام اسلامی باشد. ایشان براین اساس، درباره‌ی پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸، به مقوله‌ی مصلحت اسلام و مسلمانان استناد کرده و می‌فرماید: «خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه‌ی ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گوارتر بود؛ اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج. ۲۱، ص. ۹۲). شهید مطهری نیز بر منطق مراعات مصلحت، در برون‌رفت از معضلات فقهی و اجتماعی، تأکید کرده است (مطهری، ۱۳۷۸، ج. ۲۱، ص. ۳۳۳).

مطابق ضابطه‌مندی رفتار کارگزاران اطلاعاتی در حوزه‌های مختلف، مأموران امنیتی - اطلاعاتی باید در هر موقعیتی، با سنجش شرایط، در گستره‌ی حیات بشری اعم از امور فردی، اجتماعی و حکومتی، به نوعی رفتار نمایند که با مذاق اسلام و مصلحت مبتنی بر مبنای اسلامی سازگاری داشته باشد. با درک و تشخیص مصالح، فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی، ضابطه‌مند شده و با امکان استناد به شریعت، متّصف به حکم جواز شده و با روایی انجام آن، این دسته از فعالیت‌های حکومتی، از ذیل اصل عدم جواز ارتکاب خارج شده و می‌تواند ضامنی برای کارآمدی نظام سیاسی و برون‌رفت از بحران‌های امنیتی باشد. در راستای انطباق رفتارهای کارگزاران اطلاعاتی می‌توان به برخی از رفتارهای پیامبر اسلام ﷺ و اصحاب ایشان در عملیات‌های جاسوسی و ضدجاسوسی و برخی شیوه‌های آن مانند تهدید، تطمیع، دستگیری، امان دادن به جاسوس دشمن، بازجویی، زندانی کردن و ... اشاره کرد (ر.ک: علوی، ۱۳۹۷، ص. ۱۴۸).

در توضیح جایگاه مصلحت در عرصه‌ی فقه، مصلحت نسبت به احکام واقعی، در جایگاه علت و نه معلول قرار دارد. همچنین در خصوص نسبت مصلحت به خطابات شرعی، مصالح

فقط برآمده از خطابات نیست، بلکه مصالحی وجود دارد که قرینه‌ی خطابات شرعی شده است و حاکم بر خطابات است. از این روی در برخی از موارد می‌توان از محوریت عنصر مصلحت در خطابات شرعی نیز یاد کرد.

شهید صدر مطابق مبنای خویش که مصلحت‌اندیشی حاکم را در گستره‌ی منطقه‌الفرع، جایز می‌داند، این مصلحت‌ورزی را در راستای غایات شریعت قرار داده و این‌گونه نگاشته است:

کتاب و سنت وقتی از تشریح قانونی خبر داد و در متن قانون هدف آن را تصریح کرد، ذکر هدف صریحاً نشانه آن است که بخش خالی از قانون را که برحسب مصلحت زمان در اقتصاد اسلامی متغیر و متحول است، چگونه می‌توان با قانون‌های برگرفته از هدف پر کرد (صدر، ۱۳۹۹ق، ص. ۴۴).

۱-۲. تحقق غایات شرع

هر نظام سیاسی برای اداره‌ی امور خود و تأمین اموری چون رفع هرج و مرج و تأمین امنیت، ناگزیر از داشتن یک سیستم و تشکیلات امنیتی و اطلاعاتی است؛ این امر به‌سان یکی از نیازمندی‌های حداقلی جامعه به شمار می‌رود؛ در این میان، کارگزاران اطلاعاتی در بسیاری از موقعیت‌ها، متناسب با نوع مأموریت خود، ناگزیر دست به اقداماتی می‌زنند که مخالف با ظواهر شریعت است. ولی با توجه به این که رفتار آنان، متناسب با اهداف آنها تعریف می‌شود، لذا می‌بایست رفتار آنان به‌گونه‌ای باشد که در راستای تأمین آن اهداف قرار داشته باشد. در این راستا، نظام‌های سیاسی مادی‌گرا، چون فلسفه‌ی حکومت را رفع تضاد منافع افراد می‌دانند و رفع این تضاد و مدیریت آن نیز نیازمند وجود یک حکومت واحد و منسجم است، لذا فعالیت جاسوسی در این نظام‌ها ضرورتاً در راستای غایاتی فراتر از این اهداف نیست؛ این درحالی است که حکومت‌های دینی که برای حفظ و بقای دین و در راستای تقویت امنیت پایدار جامعه، ناگزیر از انجام اقدامات امنیتی و اطلاعاتی در حوزه‌های مختلف هستند، باید بتوانند در صورت لزوم، از نهادها و ارگان‌های داخلی و خصوصاً از دشمنان خارجی جاسوسی کنند. براین اساس، نظام اطلاعاتی در حکومت اسلامی، در راستای تحقق غایات شرع قابل تصویر است و هدف از تشکیلات امنیتی در این نظام‌ها، تحصیل حداقل‌های نظام اداره‌ی جامعه نبوده، بلکه به‌مثابه‌ی ابزاری است که با تحقق آن، علاوه بر تأمین امنیت در جامعه، زمینه‌ی اجرای احکام الهی فراهم شود.

براین اساس باید گفت، مکاتب مادی، استفاده از هرگونه ابزار و رفتاری را به جهت رسیدن





به غایات خویش، مجاز می‌پندارند و در راستای منطق «ماکیاولیسم» که هدف مقدّس را توجیه‌کننده‌ی استفاده از مقدمات غیر مشروع و ناروا می‌داند، دست به رفتارهای ناروا زده و در سیاست‌گذاری خویش، راه را بر هرگونه رفتاری در راستای وصول به غایات مادی و مصالح خودخوانده‌ی خویش هموار می‌کنند. مهم، در منطق ماکیاولیسم تأثیرگذاری و تحقّق غایات است. این منطق تأکید می‌کند که اعمال سیاسی را نباید با ملاحظات اخلاقی و مسأله خیر و شر محدود کرد (پی وینر، ۱۳۹۷، ص. ۲۷۴، ۲۸۴)؛ چراکه «زاممدار، اگر بخواهد باقی بماند و موفق باشد، نباید از شرارت بهراسد و از آن احتراز کند. زیرا بدون شرارت، حفظ دولت ممکن نیست... هیچ طراز و مقیاسی برای قضاوت زمامدار در دست نیست مگر موفقیت سیاسی و ازدیاد قدرت. زمامدار برای نیل به قدرت و ازدیاد و حفظ آن مجاز است به هر عملی از زور و حيله و غدر و خیانت و تقلب و نقض قول دست زند» (آشوری، ۱۳۶۴، ص. ۱۵۲ - ۱۵۳).

این درحالی است که در نظام اسلامی، استفاده از هر رفتار یا ابزاری در راستای تأمین اهداف و غایات نظام یا سازمان‌های حکومتی، مجاز نبوده بلکه در مکتب اسلام، علاوه بر غایات مطلوب، ابزارها و رفتارها نیز باید مشروع بوده و در شریعت، مجاز شمرده شده باشند. از این‌رو، در مشروعیت رفتار و سیاست‌گذاری در نظام اسلامی، باید فارغ از غایات نظام اسلامی، مطلوبیت و جواز عمل را نیز اثبات کرد. بر این اساس، علاوه بر این‌که در مشروعیت رفتارها، باید به ادله و مبانی فقهی در جواز آن رفتارها مراجعه کرد، در خصوص رفتارهایی که در حوزه‌ی فعالیت‌های اطلاعاتی، به علت اقتضات این رفتارها، حکم به جواز برخی رفتارهای به‌ظاهر غیرمجاز و مخالف ظواهر می‌شود، باید این فعالیت‌ها را مقید به برخی ضوابط کلان اسلامی کرده و مشروعیت این رفتارها را در گرو این ضوابط و سنجه‌ها قرار داد. بر اساس این رویکرد، حتی اگر از عنصر مصلحت در تجویز برخی رفتارها یاد می‌شود، مراد نه هر مصلحتی و نه تأمین هر منفعتی برای نظام اسلامی، بلکه مراد مصالحی است که برگرفته از دین و شریعت است. طبعاً این مصالح نمی‌توانند مشتمل بر امور غیرشرعی باشند. لذا در توجیه و تجویز این رفتارها باید مصالحی مدّ نظر قرار گیرد که ریشه در سنجه‌های برگرفته از دین و شریعت داشته باشد. بر این اساس، مصلحت مدّ نظر در شریعت، با مصلحت‌سنجی به معنای فرصت‌طلبی و سوءاستفاده از موقعیت، متمایز بوده و هرگاه از تأمین و تضمین مصلحت یاد می‌شود، مراد، نه مصالح کارگزاران اسلامی بلکه مصالحی برگرفته از دین و مبتنی بر سنجه‌های دینی و شرعی است.

در نسبت غایات دین و مقوله‌ی مصلحت باید گفت با عنایت به این‌که مصلحت، منشأ

حکم شرعی بوده و در راستای تأمین اهداف غایی شارع و رفع تراحم احتمالی میان احکام شریعت، قرار دارد، از این روی مصلحت‌اندیشی فقهی، در قلمروی غیر از تأمین اهداف و غایات شریعت، حجیت نداشته و قابلیت عرضه و ارائه را ندارد.

مطابق این معنا، چون فلسفه‌ی تشکیل حکومت اسلامی، اجرای احکام و اهداف اسلام در عرصه‌ی اجتماع و اداره‌ی جامعه است، لذا در گستره‌ای از مصلحت که در مدیریت جامعه و صدور احکام حکومتی مورد‌عنایت قرار می‌گیرد، می‌بایست، اساس و مسلمات اسلام، در اداره‌ی جامعه و صدور احکام حکومتی، محور عمل قرار گیرد. طبیعتاً اگر حاکم، مصالح واقعی را تشخیص دهد، قهراً مدیریت جامعه را بر محور این مصالح قرار داده و آن را در صدور احکام حکومتی مد نظر قرار می‌دهد و اگر قادر به تشخیص مصلحت واقعی نباشد می‌بایست مدیریت جامعه را به فرایند شورا سپرده و متخصصان - بلکه در مواردی توده‌ی مردم - را در فرایند مدیریت مصلحت‌مدار دخیل نماید. بدیهی است حاکم اسلامی در این صورت، حق ندارد، به نام مصلحت‌ورزی، به استبداد مبادرت ورزیده یا دیدگاه‌های خویش را به نام مصلحت در جامعه به اجرا در بیاورد. زیرا در این صورت، نه تنها مصلحت در دایره‌ای خارج از گستره‌ی خویش به کار گرفته شده و از اعتبار ساقط است، بلکه حاکم نیز در سایه این امور از عدالت خارج گشته و مشروعیت خویش را از دست می‌دهد.

۲. سنجه‌های فعالیت‌های اطلاعاتی

در عین حال که فعالیت اطلاعاتی در نظام اسلامی در راستای حفظ نظام و برتری جویی بر دشمن، امری لازم و ضروری است (سبحانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۴۶) اما در صورتی می‌تواند از سوی کارگزاران اطلاعاتی مورد استفاده قرار بگیرد که مقید به ضوابط و سنجه‌هایی مقبول باشد. از آن جا که سنجه‌های حاکم بر فعالیت‌های اطلاعاتی، فراوان است، می‌بایست این سنجه‌ها به گونه‌ای مطلوب ساماندهی شود. در راستای تجمیع و تنسیق ضوابط حاکم بر رفتارهای اطلاعاتی، این ضوابط را ناظر به مبانی و ادله، ذیل سه قالب کلان، تنظیم نموده‌ایم که ضوابط عرصه‌ی اطلاعاتی، ذیل این سه قالب ساماندهی می‌گردد. بر این اساس، این ضوابط از یک سو ضوابطی است که عقل مستقل، حکم به جواز ارتکاب آن کرده و از سوی دیگر، برخی از این ضوابط در جوامع مختلف، مبتنی بر بنای عقلا، مورد رعایت قرار گرفته و در رفتارهای اطلاعاتی مد نظر قرار می‌گیرد. طبعاً ضوابطی در عرصه‌ی بنای عقلا مد نظر قرار می‌گیرد که از سوی شارع رد نشده بلکه مورد رضایت شارع قرار بگیرد. در سوبه‌ی سوم، ضوابطی در عرصه‌ی فعالیت‌های اطلاعاتی وجود دارد که مستند به مبانی و ادله‌ی



۳

درون دینی بوده و می‌توان آن را به شارع مقدس نسبت داد.

۲-۱. سنجه‌های عقلی

عقل مستقل به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین ادله‌ی فقه شیعه که از قابلیت درک امور شرعی برخوردار بوده و درک آن نیز حجت برشمرده شده است، قادر است در گستره‌ی وسیعی از شریعت، به‌خصوص در محدوده‌ای از دین و شریعت که رویکرد تعبدی، غلبه نداشته و می‌توان جلوه‌هایی سیاسی و اجتماعی در آن مشاهده کرد، اظهار نظر نماید. براین اساس، از آن‌جا که فعالیت اطلاعاتی از منطق و ملاک عقلانی برخوردار است و عقل مستقل، حکم به ضرورت ایجاد سازمان و نهاد اطلاعاتی و رفتارهای اطلاعاتی در راستای تأمین امنیت کشورها و غلبه بر دشمن، می‌دهد، لذا همچنان که خود عقل مستقل، حکم به ضابطه‌مندی فعالیت‌های اطلاعاتی می‌دهد، ضوابطی را نیز در گستره‌ی فهم عقل مستقل برای آن در نظر می‌گیرد که از آن جمله می‌توان به انطباق رفتارهای اطلاعاتی به عنصر عدالت، انجام این فعالیت‌ها به غرض حفظ نظام و جامعه و انجام این رفتارها در چارچوب‌های پذیرفته شده‌ی اخلاقی و قانونی اشاره کرد.

- تقید رفتارهای اطلاعاتی به حفظ نظام

حفظ نظام بدون کسب اطلاعات و اخبار دقیق در حوزه‌ی داخلی و عرصه‌ی بین‌الملل، میسر نمی‌شود. براین اساس، حکومت اسلامی، با تحت نظر قرار دادن کارگزاران حکومت و رصد رفتار آنان در جهت استمرار اهلیت، شرایط و اوصاف، در مسیر تحقق امنیت و عدالت گام برمی‌دارد و از سوی دیگر، در حوزه‌ی بین‌الملل، در راستای آگاهی از عملکرد دشمنان خارجی، با فرستادن نیروی اطلاعاتی و کسب اخبار از آن‌ها، تحرکات و تلاش‌های دولت‌های بیگانه و برنامه‌ریزی‌های ضد اسلامی و نظامی آنان را مورد رصد قرار می‌دهد و با کوشش جدی در جمع‌آوری اطلاعات و گزارش‌های مربوط به تحرکات مخالفان داخلی و خارجی و توطئه‌های آنان در راستای تأمین امنیت، موجبات حفظ نظام اسلامی را فراهم می‌سازد. طبیعی است کسب اطلاعات و اخبار بدون وجود دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی در درون حکومت، امری دشوار است؛ چه آنکه در صورت نبود سیستم اطلاعاتی منسجم و ضابطه‌مند، گردآوری اطلاعات و اخبار، دچار آشفتگی و هرج‌ومرج می‌شود. براین اساس تأسیس و ایجاد نهاد اطلاعاتی به غرض غلبه بر دشمن و حفظ نظام اسلامی از خطر دشمنان و تأمین امنیت افراد جامعه است، به همان نسبت، عقل، حکم به عدم انجام این فعالیت‌ها به غرض مطامع و منافع حاکمان و کارگزاران کرده و سوءاستفاده از این نهادها در راستای استثمار کشورهای



دیگر، تأمین منافع مادی و اقتصادی کارگزاران نظام اسلامی، از بین بردن رقبای سیاسی و اقتصادی و غلبه بر احزاب رقیب را ممنوع اعلام می‌کند. چه آن‌که این رفتارها در این صورت، ذیل عناوینی چون رانت، سوءاستفاده از قدرت، فرصت‌طلبی و ظلم قرار گرفته و نه تنها در هیچ نظام سیاسی، موجه و مقبول نیست بلکه انجام‌دهندگان آن، مورد بازخواست و مجازات قرار می‌گیرند.

براین اساس، رفتارهای اطلاعاتی باید در راستای اهداف و غایاتی باشد که توجیه‌گر اصل این فعالیت‌ها در جامعه است. از این‌روی، از آن‌جا که فلسفه‌ی رفتارهای اطلاعاتی، غلبه بر دشمن و حفظ نظم و امنیت داخلی کشور است، لذا باید همه‌ی این فعالیت‌ها در این گستره انجام شود. براین اساس، همچنان که انجام فعالیت‌های اطلاعاتی به غرض حفظ نظام و تضمین امنیت جامعه، مطلوب و ضروری است، انجام این اعمال در راستای تجمیع قدرت و سوءاستفاده از منصب، امری منکر است که باید از آن پرهیز کرد.

گستره‌ی فعالیت‌های اطلاعاتی در فقه شیعه، باید ذیل عنوان حفظ نظام قرار داده شده و در دو عرصه‌ی کلان نظامی، به غرض حفظ کیان اسلامی در برابر دشمنان و انتظامی به غرض حفظ جامعه‌ی اسلامی از شرّ اشرار و تأمین امنیت آن، مورد استفاده قرار بگیرد (نائینی، ۱۴۲۴ق، ص. ۷۴).

حفظ نظام به‌مثابه‌ی غایت اصلی فعالیت‌های اطلاعاتی، همچنین می‌تواند محور فعالیت‌های کارگزاران اطلاعاتی قرار بگیرد. بدین‌صورت که فعالیت‌های آنان در راستای تحقق غایت حفظ نظام باید به‌گونه‌ای باشد که خود به‌اخلال در نظام منجر نشده بلکه به تقویت آن بیانجامد. بدین‌صورت که عقل در راستای زیست اجتماعی، مراعات مصالح عمومی را لازم و ضروری می‌داند و همواره زیست اجتماعی، در قالب نظام‌مندی تعریف می‌شود؛ بنابراین، حفظ نظام جامعه‌ی انسانی، با عنایت به این نکته که ملاک وجوب حفظ نظام اجتماع، مطابقت آن با «مصلحت عمومی جامعه» است، یک امر لازم و ضروری است. به‌عبارت‌دیگر، حفظ نظام به حفظ مصلحت عام برمی‌گردد، چنان‌که اخلال به آن، نادیده گرفتن مصلحت است و عقل حکم می‌کند که در تعارض یا تزامم حفظ نظام با اموری چون عسر و حرج و اضطرار، باید به حفظ نظام اولویت داد. بنابراین، همه‌ی افراد جامعه، مأمور به حفظ نظام بوده و از اخلال در آن چه مستلزم عسر، حرج و اضطرار باشد یا نباشد، نهی شده‌اند (علیدوست، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۷). مطابق منطق این قاعده، فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی می‌بایست با سنجه‌ی حفظ نظام انطباق داشته باشد، چراکه تحرکات دشمن اعم از کسب



۱۳



اسرار، براندازی، ایجاد فتنه، عملیات ویژه و ... علیه منافع نظام اسلامی و با هدف اضمحلال نظام، صورت می‌پذیرد. بنابراین بایسته است کارگزاران امنیتی نظام اسلامی نیز برای کشف و خنثی‌سازی آن‌ها، در راستای حفظ نظام وارد عمل شوند و درواقع حفظ نظام و صیانت از آن در گرو انجام فعالیت‌های اطلاعاتی و هوشیاری و مراقبت در هر شرایطی است، چراکه پیش‌نیاز حفظ نظام، آگاهی و اطلاعات دقیق از توطئه‌ها و فعالیت‌های دشمن است.

منطق مصلحت حفظ نظام حتی می‌تواند به ارسال برخی از اطلاعات به دشمن در صورتی که به حفظ نظام بیانجامد، منجر شود. براین اساس، کارگزار اطلاعاتی، تحت شرایطی خاص، می‌تواند به واسطه‌ی ارائه اطلاعاتی به دشمن، در راستای فعالیت اطلاعاتی خویش، توفیق به دست آورد اما باید در نظر داشت که رفتارهای ایشان که ذیل حفظ نظام معنا می‌شود به ارائه‌ی سطوحی از اطلاعات به دشمن نیانجامد که موجب غلبه‌ی دشمن شده و بیضه‌ی اسلام را به خطر بیندازد؛ از این روی، فعالان عرصه‌ی اطلاعات در همه جای عالم، با اصل اولویت‌گذاری حفظ نظام، گرچه در برخی موارد، جان خود را فدای حفظ نظام می‌کنند، اما به گونه‌ای رفتار نمی‌کنند که نظام سیاسی را به سپری برای حفظ جان یا منافع خود تبدیل کنند.

- انطباق بر عدالت

با عنایت به این که فعالیت‌های اطلاعاتی معمولاً به غرض اهدافی موجه و معقول چون حفظ نظام، صورت می‌گیرد، اما هم‌سویی فعالیت‌ها با اهداف، موجب صحت این افعال نمی‌شود، زیرا ممکن است برخی در راستای منطق «ماکیاولیسم» که هدف مقدس را توجیه‌کننده‌ی استفاده از مقدمات غیرمشروع و ناروا می‌داند (آشوری، ۱۳۶۴، ص. ۱۵۳-۱۵۲) به انجام رفتارهایی مبادرت ورزند که فارغ از اهداف، فاقد مشروعیت و وجاهت باشد.

گرچه در خصوص وجاهت و حجیت رفتارهای اطلاعاتی می‌توان به سنجه‌هایی مراجعه کرد که به ادله‌ی متعددی مستند است لکن به نظر می‌رسد برترین سنجه‌ای که رفتارهای اطلاعاتی باید در گرو آن باشد، انطباق آن با فلسفه و غایت اصلی حکومت است. لذا عدالت به مثابه‌ی اصل و عصاره‌ی همه‌ی فضیلت‌ها (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۱۵۰) ارزش مطلق است که علاوه بر این که هدف جعل احکام شریعت است، بلکه به عنوان فلسفه‌ی حکومت نیز مورد عنایت قرار گرفته است. براین اساس، تدابیر اندیشیده شده در عرصه‌ی حکمرانی اسلامی باید در راستای تحقق و نهادینه ساختن عدالت در جامعه باشد.

از آن جا که عدالت‌ورزی، اساسی‌ترین فلسفه‌ی حکومت است، لذا رفتارهای اطلاعاتی



نمی‌تواند در نقطه‌ی مقابل عدالت‌ورزی قرار گیرد. عدالت به‌مثابه‌ی عنصری که مستند به عقل مستقل است، در هر جامعه‌ای مورد تأکید است و خردمندان نیز در هر مکتب و زمانه‌ای، مبتنی بر حکم عقل مستقل، ظلم و ستم را برنتابیده و انطباق رفتارها بر سنجه‌ی عدالت را مورد تأکید قرار می‌دهند. عدالت در راستای حکم عقل، ازجمله عناصری است که در کلام معصوم علیه‌السلام نیز به‌مثابه‌ی معیار و سنجه به‌صورت مطلق، قرار گرفته است. «العدل ملاک» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج. ۱، ص. ۵۸)؛ «ملاک السیاسه، العدل؛ جمال السیاسة، العدل فی الإمره» (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰، ج. ۶، ص. ۴۹۷). همچنین عدالت، معیاری برای برپایی حق در جامعه، در حوزه‌ی حکمرانی، فرض شده است (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷).

تأکید بر عنصر عدالت به‌گونه‌ای است که حکومت‌ها به غرض عدالت‌ورزی و تحقق قسط در جامعه، مستقر می‌شوند به‌گونه‌ای که پیامبر اسلام (ص) در راستای ارشاد به حکم عقل فرمودند، حکومت‌ها با کفر باقی می‌مانند درحالی‌که با ظلم، باقی نمی‌مانند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج. ۱۸، ص. ۴۲۰). در آیه‌ی شریفه‌ی ۲۵ سوره‌ی حدید، فلسفه‌ی بعثت پیامبران و نزول وحی، اقامه‌ی قسط و عدل برشمرده شده است.

براین اساس، دستگاه امنیتی و اطلاعاتی باید مطابق منطق عقل مستقل که مؤید به شریعت و معیار اسلامی است، در راستای تحقق عدالت در جامعه، از ظلم جلوگیری کند. در حقیقت، فلسفه‌ی وجود سیستم اطلاعاتی، علاوه بر صیانت نظام سیاسی از خطرات احتمالی، جلوگیری از ظلم توسط کارگزاران و تضييع حقوق مردم است. گرچه رفتارهای اطلاعاتی مانند سایر فعالیت‌های کارگزاران نظام اسلامی، ممکن است از دایره‌ی رفتارهای عادی، فراتر رود که ممکن است موجه به نظر نرسد لکن این رفتارها نمی‌تواند در راستای ظلم و ستم قرار گرفته و رفتاری ظالمانه تلقی شود؛ بلکه شایسته است کارگزاران حوزه‌ی امنیت، بر اساس حکم عقل، هم در عرصه‌ی عدالت فردی و هم در حوزه‌ی عدالت اجتماعی، پیش‌گام باشند، چراکه در حکمرانی اسلامی، هم ابعاد اجتماعی عدالت مورد توجه است و هم جنبه‌ی فردی آن مورد عنایت قرار گرفته است. در حقیقت، در صورت تحقق عدالت از سوی مردم و همه‌ی کارگزاران حکومت، سیاست و نظام عادلانه در جامعه شکل می‌گیرد و عقل به‌عنوان حجت الهی به برقراری عدالت، مراقبت از حقوق مردم در جامعه چه در حوزه‌ی فردی و چه در عرصه‌ی اجتماعی و مسائل امنیتی مهر تأیید می‌زند.

- انطباق بر اخلاق و قانون

۶۵ باوجود این‌که فعالیت‌های اطلاعاتی، معمولاً اموری مطابق هنجارهای عمومی و



موردپسند مردم نیستند و لذا در برخی حالات، به دور از چشم دیگران و به صورت مخفیانه انجام می‌شوند و حتی در حوزه فعالیت‌هایی که در قبال دشمنان انجام می‌شود، شخص اطلاعاتی باید بتواند بر اساس هنجارهای دشمن رفتار کرده و چهره و رفتار خویش را به رنگ دشمنان در آورد و این امر در برخی اوقات، مستلزم زیرپا گذاشتن برخی هنجارهای مقبول نظام اسلامی است، اما این امر به معنای تجویز رفتارهایی مخالف ارزش‌های اصیل، معقول و مقبول نبوده بلکه همچنان سیاست‌گذاران عرصه‌ی اطلاعاتی باید قوانین خود را بر عقل قطعی و رفتارهای فطری مبتنی کنند. کارگزاران عرصه‌ی اطلاعات نیز باید به این سنجه‌ها مقید باشند. چنان‌که پیامبر اسلام (ص)، پیروزی بر جنگ را به صورت مطلق، نخواسته بلکه آن را مقید به سنجه‌هایی کرده است که بر عقل و قانون، مبتنی است. براین اساس، اموری مانند مثله کردن، شکنجه کردن، از بین بردن محیط‌زیست، آزار حیوانات، کشتن کودکان و کهن سالان، ایجاد سپر انسانی در جنگ، پیمان‌شکنی و ... ممنوع بوده و کسی به بهانه‌ی پیروزی بر دشمن و غلبه بر وی نمی‌تواند به این امور مبادرت ورزد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۵، ص. ۲۹، ح. ۸؛ حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج. ۱۵، ص. ۵۸).

همچنان‌که می‌توان بر اساس عقل مستقل، به سنجه‌ی اخلاق‌محوری و عدم جواز رفتارهای غیراخلاقی، حکم کرد، می‌توان به سنجه‌ی قانون‌محوری نیز حکم کرد. زیرا بر اساس مثلی که می‌گوید نمی‌توان بر شاخ نشست و بن برید، نمی‌توان در ساختار قانونی کشور، حکم به رفتارهای اطلاعاتی کرده و آن را ذیل رفتارهای قانونی قرار نداد. براین اساس، فعالیت‌های اطلاعاتی باید بر اساس سنجه‌ی قانون‌گرایی مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفته و در صورتی که در مطابقت با قوانین قرار نداشته باشد، باید حکم به تقبیح آن کرد.

۲-۲. سنجه‌های عقلانی (عرفی)

انجام رفتارهای اطلاعاتی، به کشوری خاص محدود نمی‌شود بلکه از سوی همه‌ی نظام‌های سیاسی، در راستای اهداف و غیایاتی که برای این رفتارها در نظر گرفته شده است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. اشتراک وجود سیستم اطلاعاتی در همه‌ی کشورها، مستدعی است که این فعالیت‌ها، مقید به سنجه‌هایی باشند که از سوی عقلا، تجویز شده که هرکدام از آن‌ها ملزم به وجود ضوابطی است. لذا می‌توان برخی از ضوابط حاکم بر رفتارهای اطلاعاتی را ذیل ضوابط عرفی جای داد. براین اساس، عرف و هنجارهای هر جامعه مبتنی بر رفتارهای عقلانی، می‌تواند فعالیت‌های اطلاعاتی را مقید کرده و آن را منضبط سازد. گرچه این سنجه‌های عقلانی، در صورتی می‌توانند از حجیت برخوردار باشند که از سوی شارع تأیید

شده یا از آن معنی صورت نگرفته باشد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۲۳). از آن جا که جوامع مختلف در رویکرد عرفی و عقلانی خویش، ضوابطی مانند انطباق بر خرد جمعی، رویکرد اعتدال‌گرا و حفاظت از منافع ملی را مورد تأکید قرار می‌دهند، لذا در این راستا به برخی از ضوابط منطبق بر معیارهای عرفی اشاره می‌شود:

- انطباق بر خرد جمعی

تصمیم‌های فردی عمدتاً به دلیل عدم تشخیص جوانب مسئله یا برداشت سطحی، می‌تواند با خطا همراه باشد. گرچه انسان‌ها در بسیاری از عرصه‌های زندگی، فارغ از مشورت با دیگران، به زندگی خویش سامان می‌دهند، اما هرچه مسئله عظیم‌تر باشد و گستره‌ای فراگیرتر و مؤثرتر را شامل شود، چون احتمال خطا در آن می‌تواند به تبعات و مشکلات متعددی بیانجامد، لذا پرهیز از فردمحوری و انطباق بر خرد جمعی در عرصه‌های امنیتی و اطلاعاتی که سرنوشت جامعه به آن گره می‌خورد، باید به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین سنجه‌ها در حوزه فعالیت اطلاعاتی، مد نظر قرار بگیرد و باوجود این که اصولاً فعالیت اطلاعاتی، مقوله‌ای جمعی نیست و کارگزاران اطلاعاتی باید در معرکه‌ی اطلاعات، به‌تنهایی تصمیم بگیرند، لکن این بدان معنا نیست که سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها در حوزه‌ی اطلاعات هم برعهده‌ی خود کارگزاران اطلاعاتی باشد. بلکه آنان باید خود را ملتزم به سیاست‌ها و تصمیم‌هایی بدانند که در نهادهای اطلاعاتی و در فرایند خرد جمعی شکل گرفته است. چه‌آن که نظریه‌ی صواب و مطلوب در فرایند مراجعه به آراء نخبگان و مشاوران صورت می‌گیرد. «إضربوا بعض الرأی ببعض یتولد منه الصواب: اندیشه‌ها را با یکدیگر بسنجید تا نظر صواب از آن آشکار گردد» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۵۸).

از آنجا که حوزه‌ی فعالیت‌های اطلاعاتی، مشتمل بر امور حساس و تأثیرگذار بوده و رفتارهای نابجا، نادرست یا نسنجیده در آن حوزه‌ها می‌تواند خسارات و پیامدهای نامناسبی را در پی داشته باشد، لذا تصمیم‌های کلان اطلاعاتی را می‌توان مقتضی احتیاط دانست که شایسته‌ی تأمل، تدبّر و مراجعه به صاحبان خرد و تخصص است. طبعاً هرچه تصمیم‌ها و رفتارها در این حوزه، از متانت، جاهت و سنجیدگی برخوردار باشد، می‌تواند به نتایج مطلوب، مؤثر و کارآمد بیانجامد. چنان که از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است، مشورت با صاحبان خرد، موجب در امان ماندن از لغزش‌ها و پشیمانی‌ها است: «شاورِ ذوی العقول، تأمن الرّلل و النّدم» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۹۸، ح ۵۳۱۳). در روایتی دیگر، ایشان، مشورت کردن با صاحبان خرد را سبب استحکام در رأی و پیروزی اعلام کرده است: «مَن اسْتَشَارَ



۳

ضابطه‌مندی و سنجه‌های فعالیت‌های اطلاعاتی در فقه سیاسی شیعه



ذَوِي النَّهْيِ وَالْأَلْبَابِ فَازَ بِالْحَزْمِ وَالسَّدَادِ (آمدی، ۱۴۱۰، ج. ۱، ص. ۶۴۷، ح. ۱۲۶۰).

- دوری از افراط و تفریط (اعتدال)

اعتدال به مثابه‌ی ارزشی که در حدّ واسط میان دو ضدّ ارزش افراط و تفریط قرار دارد، از آموزه‌های مهم اخلاقی است که در جمیع جوامع مورد توجه قرار می‌گیرد. فارغ از این که دانشمندان علم اخلاق، برای هر خصلت روحی، دو سوبه‌ی افراط و تفریط در نظر گرفته و میانه‌روی در این خصوص را منشأ فضائل اخلاقی برشمرده‌اند (ابن قیم جوزیه، ۱۴۲۵ق، ج. ۱، ص. ۴۰۴)، انسان‌ها دارای قوایی درونی هستند که میانه‌روی در آن‌ها می‌تواند به شجاعت و عدالت منجر شود که تأثیر مضاعفی در سعادت و کمال انسان‌ها دارد (نراقی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۳۷، ۶۸، ۸۴، ۹۳). سوبه‌ی افراط به اموری چون غضب و ظلم منتج می‌شود و سوبه‌ی تفریط، به رفتارهایی چون ترس و ظلم‌پذیری می‌انجامد. گرچه برخی نیز عدالت را حدّ میانه و تعادل همه‌ی قوای درونی انسان دانسته‌اند (همان، ج. ۱، ص. ۹۲). در حوزه‌ی اخلاق اجتماعی، عدالت، به معنای استواری در راه و عدم لغزش به سوی باطل، به اعتدال، تفسیر شده است (جرجانی، ۱۳۷۰، ص. ۱۹۲).

مراعات اعتدال و میانه‌روی از آن‌روی در عرصه‌ی رفتارهای اطلاعاتی در جوامع مختلف، مدّ نظر قرار می‌گیرد که معمولاً این فعالیت‌ها در خصوص کسانی صورت می‌پذیرد که دشمن تلقی شده یا در مظانّ دشمنی هستند، لذا ممکن است این رفتارها، به رویکردی ظالمانه، ستم‌ورزانه و یا بی‌انصافانه منجر شده و یا به خاطر هراس از انجام برخی رفتارهایی که به واسطه‌ی حکم ثانوی تجویز می‌شوند، فعالیت‌های اطلاعاتی مختل شوند. در حوزه‌ی رفتارهای اطلاعاتی، همچنان که هراس از دشمن و آشکار شدن نباید موجب تعطیل فعالیت‌های پنهانی شود، تهوّر و بی‌باکی هم شایسته‌ی این فعالیت‌ها نیست؛ زیرا فعالیت‌های اطلاعاتی مانند بسیاری از رفتارهای انسانی که مستلزم دقّت، شکیبایی و صبر است باید در کمال اعتدال و میانه‌روی، انجام شود. از سوی دیگر، همچنان که تفریط در این فعالیت‌ها می‌تواند به عدم انجام آن‌ها بیانجامد، افراط در این خصوص نیز می‌تواند تبعاتی را به همراه داشته باشد که باز هم به تعطیلی آن‌ها بیانجامد. بنابراین در هر دو سوی اعتدال، می‌توان توقع از بین رفتن غایات و اهداف این فعالیت‌ها را داشت.

اعتدال در رفتار، در عباراتی که از پیامبر ﷺ نقل شده است دارای سه ویژگی است که هرکسی از آن برخوردار باشد، دارای همه‌ی ویژگی‌های خوب خواهد بود. بدین صورت که در هنگام قدرت، به امور ناشایست اقدام نکند؛ هنگام غضب، از حقّ عدول نکند؛ و هنگام

رضایت و خشنودی، در مسیر باطل گام ننهید(نوری، ۱۴۰۸ق، ج.۱۱، ص.۱۸۹، ح ۱۲۷۱۰). از سوی دیگر، در خصوص ضرورت اعتدال نسبت به کارگزاران اطلاعاتی باید بر این نکته تأکید ورزید که مطلوبیت رفتارهای اطلاعاتی در گرو اعتدال اخلاقی، ثبات روانی و سلامت روحی است. صفات ناشایست اخلاقی چون ترس، نفاق و ناآگاهی بر اثر خروج از حالت اعتدال رخ می‌دهد(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص.۵۳۷-۵۳۸، ۶۳۶) و این امور می‌تواند اهداف فعالیت‌های اطلاعاتی را به خطر بیاندازد، لذا اعتدال در نفس و رفتارهای معتدلانه در این حوزه مورد تأکید سازمان‌های اطلاعاتی است. بر این اساس افرادی در فرایند گزینش، به این نهادها وارد می‌شوند که از اعتدال روحی، آرامش و سلامت روان برخوردار باشند تا بتوانند در عرصه‌ی عمل، با تسلط بر خویش، از افراط و تفریط خودداری ورزند.

۲-۳. سنجه‌های شرعی

علاوه بر سنجه‌های عقلی و عرفی که در همه‌ی جوامع در خصوص فعالیت‌های اطلاعاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد و در نظام اسلامی نیز، این سنجه‌ها مورد تأکید است، می‌توان به برخی دیگر از سنجه‌ها اشاره کرد که در راستای اهداف کلان و غایات نظام اسلامی قرار داشته و در منابع و مبانی دینی، مورد تأکید قرار گرفته‌اند. این سنجه‌ها که در راستای ضوابط کلان نظام اسلامی قرار دارند و در همه‌ی امور زندگی، از سوی شارع سفارش شده‌اند، در حوزه‌ی رفتارهای اطلاعاتی نیز می‌بایست جریان داشته باشند. با عنایت به کثرت و تعدد این سنجه‌ها، باید ضوابطی در این خصوص مد نظر قرار گیرد از آن رو که در زمره سنجه‌های بالادستی قرار گرفته و بسیاری از سنجه‌ها، قابل ارجاع به آن باشد. در این خصوص می‌توان به ضوابطی چون «حفظ دین»، «حفظ نظام»، «حفظ جان»، «حفظ مال»، «حفظ نسل»، «حفظ عقل» و «حفظ آبروی مسلمانان» اشاره کرد که شارع نه فقط حکم به حرمت نقض آن‌ها داده بلکه جرائم و حدودی نیز برای ارتکاب نقض آن‌ها در نظر گرفته است.

- حفظ دین

هدایت مردم به دین‌داری، ارتقای معنوی و حفظ دین و شریعت، از مهم‌ترین اهداف شارع بوده و در شریعت و حکمرانی اسلامی مورد توجه جدی قرار گرفته است. اساس حکومت دینی با عنایت به این اصل، معنا و مفهوم پیدا می‌کند و احکام فقهی چون حرمت نگهداری ابزارهای گمراه‌کننده مثل کتب ضاله، حرمت موسیقی لهوی(حلی، ۱۴۰۸ق، ج.۲، ص.۴۰) و



و جوب تعلیم احکام شرعی، در این راستا قابل ارزیابی است. بسیاری از فروع شریعت در راستای حفاظت از اصل دین و شریعت و ضمانت حفظ و اجرای آن مورد عنایت قرار گرفته‌اند (ایزدهی، ۱۳۹۳، ص. ۸۱) که در این خصوص می‌توان به وضع احکام خاص برای افراد مرتد در شریعت اشاره کرد. از این رو می‌توان اذعان داشت که در فعالیت‌های اطلاعاتی، کارگزار امنیتی می‌بایست با رویکرد دینی و شرعی و با هدف حفظ دین، چه نسبت به خود و چه نسبت به سوژه‌ی مورد هدف، وارد کارزار اطلاعاتی شود و در بازجویی‌ها و سایر امور اطلاعاتی و امنیتی نباید کاری صورت بگیرد که دین خود یا دیگران، مورد خدشه قرار گیرد. با توجه به این که جامعه، عرصه‌ی تزاخمت است، آن چه که باید در خصوص رفتارهای در حوزه‌ی اقتدار عمومی، مدّ نظر قرار گیرد، سنجه‌هایی است که اولویت‌گذاری نسبت به آن‌ها می‌تواند حکم به برون‌رفت از تزاخمت در حوزه‌ی رفتاری باشد. بر این اساس، باید به این نکته توجه داشت که از میان سنجه‌های چندگانه‌ی شرعی، می‌توان به اولویت حفظ دین، نسبت به سایر سنجه‌ها اشاره کرد. بر همین اساس است که جهاد به جهت حفظ دین، مقدم بر حفظ جان و مال بوده و شایسته است جان و مال مسلمانان به خاطر حفظ دین، فدا شود. در این راستا، کارگزاران اطلاعاتی باید با اولویت‌گذاری حفظ دین نسبت به جان و مال خویش، فعالیت اطلاعاتی را به کار گیرند.

- حفظ نفس

یکی از اهداف شریعت در تشکیل نظام سیاسی و حکومت، ایجاد امنیت در جامعه‌ی اسلامی و جلوگیری از تعرض افراد جامعه نسبت به یکدیگر است. از آن جا که در کارزار اطلاعاتی و امنیتی، ممکن است جان شهروندان در معرض آسیب قرار گیرد، لذا توجه به این مهم ضروری خواهد بود. مرور بسیار اجمالی متون دینی و منظومه‌ی فقهی مکتب شیعه نشان می‌دهد که حفظ جان چه اندازه مورد اهتمام بوده است و در حقیقت حفظ جان مسلمانان، یکی از مقاصد اساسی شریعت بوده و شارع بر آن تأکید فراوان داشته است: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا؛ هر کس فردی را جز به قصاص یا فساد در زمین بکشد، گویا همه‌ی مردم را کشته است» (مائده، ۳۲). در آیه، فلسفه‌ی جعل و تشریح قصاص در شریعت، حفظ جان دانسته شده است. در این راستا امام خمینی (ره) می‌نویسد: «... [جاسوسی] برای حفظ اسلام و حفظ نفوس مسلمین واجب است» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج. ۱۵، ص. ۱۱۶). مطابق این معنا، اصلی حفظ جان انسان‌ها اقتضا می‌کند که در صورت تزاخمت آن با انجام حکمی از احکام شریعت، دست از احکام شرعی

کشیده و حکم به حلیت محرّمات شود. آن گونه که این مسئله در فقه شیعه، در قالب ترجیح جان انسان‌ها در خصوص بحث تقیه مورد تأکید قرار گرفته است (امام خمینی، ۱۴۱۵ق، ج. ۲، ص. ۲۴۳). براین اساس، کارگزاران اطلاعاتی و امنیتی می‌بایست رفتارهای خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که با اصل یاد شده در تضاد نباشد و در حد توان، در مأموریت‌ها با رعایت این اصل مهم اقدام کنند.

- حفظ مال

یکی دیگر از اهداف و غایات شریعت در حکمرانی اسلامی، حفاظت و صیانت از اموال مردم و تضمین امنیت اقتصادی در جامعه است. در فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی، ممکن است مال شهروندان با خطر مواجه شود درحالی‌که در حکمرانی اسلامی، کارگزار نظام سیاسی اسلامی می‌بایست حافظ اموال مردم و تأمین‌کننده امنیت جامعه، در سطوح و عرصه‌های مختلف باشد؛ لذا توجه به این امر ضروری است. تأمل در متون دینی و تراث فقهی شیعه نشان می‌دهد که حفظ مال مردم، مورد اهتمام شریعت بوده و این مهم در قالب احکام فقهی چون تحریم غصب و سرقت و خیانت و راهزنی، در فقه شیعه انعکاس یافته است (شهید اول، ۱۴۳۰ق، ج. ۱۵، ص. ۹). از این رو، ضروری است کارگزاران اطلاعات و امنیت در نظام سیاسی، در فعالیت‌ها، به خصوص در عملیات‌های داخلی و در عرصه‌ی ورود به حریم شهروندان، این ضابطه را مد نظر قرار دهند، چراکه عدم رعایت این اصل، تضییع حقوق شهروندان را به دنبال داشته و نزد شارع امری نامطلوب و ناپسند محسوب می‌شود.

- حفظ نسل

حفظ نسل و نوع بشر و امنیت خانواده از مواردی است که مورد اهتمام شریعت است و در قالب احکام فقهی از قبیل تحریم زنا، احکام مربوط به محرم و نامحرم، حجاب و ازدواج و طلاق مورد توجه قرار گرفته است (شهید اول، ۱۴۳۰ق، ج. ۱۵، ص. ۹؛ لک‌زایی، ۱۳۹۳، ص. ۱۹۰). شارع در راستای تحصیل منافع حفظ نسل، حدود و مجازات خاصی برای متجاوزان از این حدود در نظر گرفته است؛ از این روی، در فعالیت‌های اطلاعاتی می‌بایست به عنوان ضابطه و سنجه مورد عنایت باشد؛ چه آن‌که در حوزه‌ی اطلاعات و امنیت، حفظ نسل و مدنظر قرار دادن این سنجه و فراهم ساختن امنیت خانواده، چه در عملیات‌ها و چه در بازجویی‌ها و سایر سازوکارهای اطلاعاتی و امنیتی مورد تأکید است. مطابق این معنا، کارگزار اطلاعاتی در زمینه‌ی ارتباط با نامحرم، تحت هر شرایطی چه در بازجویی‌ها و چه در برخورد‌ها و چه همکاری با نامحرم در راستای کار امنیتی و مسائلی از این دست، باید ضوابط شریعت و حدود





شرعی را مدنظر قرار دهد و تنها در صورت فراهم آمدن و تحقق موضوع ضرورت و اضطرار، می‌توان براساس قاعده‌ی «الضرورات تبیح المحذورات» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۰۶؛ سیفی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۹۰) برخی از رفتارهای خاص همانند ماندن در یک منزل با نامحرم به جهت مراقبت از سوژه، بازجویی از نامحرم توسط مرد و... را تجویز نمود. ولی سایر اموری که با مذاق شریعت سازگار نیست و حفظ نسل و امنیت خانواده را به مخاطره می‌اندازد، مجاز نخواهد بود.

- حفظ عقل

از جمله مواردی که به‌عنوان سنج‌ی فعالیت‌های اطلاعاتی می‌تواند مورد عنایت قرار گیرد، حفظ عقل است. عقل ملاک تمایز انسان و دیگر موجودات است و به تعبیر استاد مطهری، انسان به جهت داشتن عقل، فرزند بالغ این جهان به شمار می‌آید (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲۶، ص ۹۴). در شریعت، امنیت روانی و حفظ عقل به‌وسیله‌ی برخی از احکام فقهی همانند تحریم مسکرات و حد آن، مورد تأکید قرار گرفته است. از سوی دیگر، امنیت روانی، موجب تعالی و پیشرفت جامعه بوده و در معرض آسیب قرار گرفتن آن، جامعه را در معرض انحطاط قرار می‌دهد. مطابق این معنا، بر کارگزاران اطلاعات و امنیت ضروری است در عملیات‌ها به‌ویژه در مأموریت‌های برون‌مرزی و در موقعیت‌های گوناگون به نحوی عمل کنند که عقل در معرض خطر قرار نگیرد. به‌عنوان نمونه برای نیل به هدف، از موارد ممنوعه‌ی شرعی زایل‌کننده‌ی عقل، مثل مسکرات استفاده نکنند. از این روی، در عرصه اطلاعات و امنیت، مدنظر قرار دادن این مهم، می‌تواند ضامن پیشرفت و سلامت رفتارهای اطلاعاتی در عرصه‌های گوناگون باشد.

- حفظ آبرو

با واکاوی مبانی دینی، می‌توان به این نکته دست یافت که حریم خصوصی افراد به‌مثابه‌ی یک حق (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۰۵)، از اموری است که به خود آن‌ها مربوط بوده و نباید مورد دستبرد دیگران واقع شود؛ لذا دیگران مجاز نیستند به آن حوزه‌ها ورود کنند. حرمت و کرامت انسان به‌عنوان یک اصل مهم، مقتضی تلاش در جهت صیانت از حقوق انسان‌ها و عدم تعرض نسبت به حرمت و آبروی مسلمانان است (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷). مطابق آموزه‌هایی که در شریعت مورد عنایت قرار گرفته، شارع مقدس به هتک و ریختن آبروی مؤمنان راضی نبوده و در برخی از متون اسلامی، آبرو و مال و خون مؤمن، در عرض هم قرار داده شده و محترم شمرده شده است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۷). در منابع دینی و احادیث اسلامی در مورد ترك افشای اسرار و رازداری تعبیرات گوناگونی یافت

می‌شود که نشان‌گر اهتمام اسلام به عرصه‌ی خصوصی افراد است به طوری که به اسرار دیگران به عنوان امانت نگریسته شده و از افشای سرّ به عنوان خیانت در امانت، یاد شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۷۱، ص. ۱۷۸، ح ۱۷).

عرصه‌ی فعالیت‌های اطلاعاتی، گرچه مستلزم ورود به حریم خصوصی برخی افراد است، لکن مطابق ادله‌ی یادشده، از یک سو باید در ورود به حریم خصوصی افراد، به موارد قدر متیقن که ادله‌ی محکمی بر ضرورت انجام آن وجود داشته باشد اکتفا کرده و از سوی دیگر، باید به گونه‌ای رفتار شود که در ورود به حریم مظنونین، حرمت و آبروی آنان و بستگان آنان جز در مواردی که فعالیت اطلاعاتی مستلزم کشف سر باشد، حفظ شود.

نتیجه‌گیری

با وجود این که نظام‌های سیاسی به خاطر کارکردهای امنیتی فراوانی که برای فعالیت‌های اطلاعاتی مترتب می‌شود، چاره‌ای جز ایجاد نهادهای اطلاعاتی و رفتارهای متناسب با رویکرد اطلاعاتی ندارند، اما ضرورت نهادها و رفتارهای اطلاعاتی به معنای غیرمنضبط بودن و انجام آن‌ها بدون هیچ ضابطه و سنجه‌ای نیست. چنان که سنجه‌های اطلاعاتی نیز در یک راستا نیستند زیرا با وجود این که می‌بایست حکم به همه‌ی سنجه‌های عقلی و عقلائی کرده و بدان‌ها پایبند بود، اما چون این ضوابط در یک تراز قرار ندارند و برخی، از اولویت و اولیّت نسبت به دیگری برخوردار هستند، لذا کارگزار اطلاعاتی باید بتواند در مقام تزامم این سنجه‌ها، اولویت‌سنجی کرده و ضوابط مهم‌تر را مدّ نظر قرار دهد. بر این اساس، در حوزه‌ی اموری که در قالب حکم ثانوی، مجاز برشمرده می‌شود، با این که حفظ مال مردم از ضوابط اصلی حوزه‌ی اطلاعاتی به شمار می‌رود، اما می‌توان به جهت حفظ جان مسلمانان، حکم به از بین رفتن یا تزییع مال دیگران کرده و به همین تناسب، هرگاه دین و نظام سیاسی - اجتماعی به خطر افتاد، می‌توان متناسب با آموزه‌هایی که در فقه شیعه مورد بحث قرار گرفته است، حکم به جواز قتل نفوس محترمه هم داد و بر همین اساس، می‌توان در راستای نجات جان افراد بسیاری از جامعه، حکم به گرفتن جان یک فرد کرد چنان که این امر در قضیه سپر انسانی «تترس» در فقه شیعه مطرح شده است. البته تزییع مال و نفوس مردم در شرایط خاص و به خاطر ضرورت رفتارهای اطلاعاتی، منافاتی با ضمانت نسبت به اموال و دیه نسبت به جان و جراحات احتمالی ندارد. در عین حال باید تأکید کرد که اصل در این امور، مراعات احتیاط و رعایت جوانب و ضوابط دقیقی است که در فقه شیعه مدّ نظر قرار گرفته است و



شایسته است فعالان اطلاعاتی، ضمن فراگرفتن دقائق این احکام، همراه انجام امور اطلاعاتی، ضوابط آن را نیز به صورت حداکثری مراعات کنند.



سال بیست و پنجم / شماره صدم / زمستان ۱۴۰۱

منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
ابن شعبه حرانی، ح. (۱۴۰۴ق). تحف العقول. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
ابن أبي جمهور، م. (۱۴۰۵ق). عوالي اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة. (ج.۴). قم: دار سید الشهداء للنشر.
ابن قیّم جوزیه، م. (۱۴۲۵ق). مدارج السالکین. (ج.۱). بیروت: دارالکتب العلمیة.
اصفہانی، م. ح. (۱۴۰۹ق). الإجارة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
آمدی، ع. (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. (ج.۱). قم: دارالکتاب الإسلامی.
آشوری، د. (۱۳۶۴). فرهنگ سیاسی. تهران: انتشارات مروارید.
ایزدھی، س. س. (۱۳۹۳). مصلحت در فقه سیاسی شیعه. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
ایزدھی، س. س. (۱۳۹۶). جایگاه مصلحت در فعالیت‌های جاسوسی. معرفت سیاسی، شماره ۱۷، ص. ۸۹-۱۰۵.
مفید، م. (۱۴۱۳ق). المقتعة. قم: کنگره جهانی شیخ مفید.
بوطی، م. (۱۴۱۲ق). ضوابط المصلحه فی الشریعة الإسلامیة. بیروت: مؤسسه الرساله، دارالمتحدہ.
پی وینر، ف. (۱۳۹۷). فرهنگ اندیشه‌های سیاسی. خ. دیهیمی (مترجم). تهران: نشر نی.
جرجانی، م. س. ش. (۱۳۷۰). التعریفات. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
حرّعاملی، م. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. (ج.۱۵). قم: مؤسسه آل البيت (ع).
حکیمی، م. ر. و همکاران (۱۳۸۰). الحیة. (ج.۶). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
حلّی، ن. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. (ج.۲). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
خمینی، س. ر. (۱۴۱۵ق). مکاسب المحرمة. (ج.۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
خمینی، س. ر. (۱۳۸۹). صحیفه امام. (ج.۱۷، ۱۵، ۲۱). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
خمینی، س. ر. (۱۳۸۲). تحریر الوسیلة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
خمینی، س. ر. (۱۳۸۵). الرسائل. (ج.۲). قم: انتشارات اسماعیلیان.
خوانساری، م. (۱۳۶۶). شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم. (ج.۱). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
راغب اصفهانی، ح. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت، دمشق: دارالقلم - الدار الشامية.
سبحانی، ج. (۱۴۱۳ق). مفاهیم القرآن. (ج.۲). قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
سلیمانی مرتضی و یاسر، (۱۳۹۳). بررسی ورود به حریم خصوصی در فعالیت‌های اطلاعاتی - امنیتی در چارچوب اصول و قواعد فقهی. کاوشی نو در فقه، شماره ۴، ص. ۳۵-۵۶.
سیفی، ع. ا. (۱۴۲۵ق). مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقهیة الأساسیة. (ج.۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
صدر، م. ب. (۱۳۹۹ق). صورة عن اقتصاد المجتمع الاسلامی. بیروت: دارالتعارف.





- طوسی، ن. (۱۳۹۳). مبانی فقهی جاسوسی و ضدجاسوسی. قم: انتشارات مرکز تخصصی ائمه اطهار (ع).
طوسی، م. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. (ج.۳). تهران: دارالکتب الإسلامية.
عاملی، م. (شهید اول) (۱۴۳۰ق). القواعد و الفوائد. (ج.۱۵). قم: مرکز العالی للعلوم و الثقافة الاسلامیه.
علوی، ع.ا. (۱۳۹۷) جواز جاسوسی برای نظام سیاسی در فقه شیعه. سیاست متعالیه، شماره ۲۰، ص. ۱۴۱-۱۵۶.
- علیدوست، ا. (۱۳۸۸). فقه و مصلحت. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
فخر رازی، م. (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). (ج.۱۸). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
فیض کاشانی، م. (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. (ج.۵). تهران: مکتبه الصدر.
مجلسی، م.ب. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. (ج.۷۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
مطهری، م. (۱۳۷۸). مجموعه آثار. (ج.۲۱، ۲۶). تهران: انتشارات صدرا.
مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. (ج.۱۴). تهران: دارالکتب الإسلامية.
مکارم شیرازی، ن. (۱۳۸۶). پیام قرآن. (ج.۴). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
کلینی، ا. (۱۴۰۷ق). الکافی. (ج.۵). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
گروهی از نویسندگان (۱۳۹۵). مجموعه مقالات اولین همایش ملی فقه اطلاعاتی. تهران: دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- لک زایی، ن. (۱۳۹۳). مطالعات فقهی امنیت. پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۲، ص. ۱۸۱-۲۰۶.
لیثی واسطی، ع. (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. قم: انتشارات دارالحديث.
نائینی، م.ح. (۱۴۲۴ق). تنبیه الأمة و تنزیه الملة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
نراقی، م. (بی تا). جامع السعادات. (ج.۱). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
نجفی، م.ح. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. (ج.۲۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
نوری، ح. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. (ج.۱۱). قم: مؤسسه آل البيت (ع).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



References:

The Holy Quran.

Nahj al-Balagha.

A group of authors. (2016). Proceedings of the first National Conference of Intelligence Jurisprudence. Tehran: University of Intelligence and National Security.

Alavi, A.A. (2018). Permissibility of spying for the political system in Shiite jurisprudence. *Transcendent politics* 20, 141-156.

Alidoost, A. (2009). Jurisprudence and exigency. Tehran: Publications of Research Institute of Islamic Culture and Thought.

Amidi, A. (1989). *Ghurur al-hikam wa-durar al-kilam*. (Vol. 1). Qom: Dar al-Kitab al-Islami.

‘Amili (al-Shahid al-Awwal), M. (2008). *Al-Qawa‘id wa-l-fawa‘id*. (Vol. 15). Qom: Islamic Sciences and Culture Academy.

Ashouri, D. (1985). Political dictionary. Tehran: Morvarid Publication.

Buti, M. (1991). Criteria of exigency in Islamic sharia. Beirut: Mu‘assasat al-Risala, Dar al-Muttahida.

Fakhr al-Razi, M. (1999). *Al-Tafsir al-kabir (mafatih al-ghayb)*. (Vol. 18). Beirut: Dar Ihya‘ al-Turath al-‘Arabi.

Fayd al-Kashani, M. (1994). *Tafsir al-safi*. (Vol. 5). Tehran: Maktabat al-Sadr.

Hakimi, M.R. et al. (2001). *Al-Hayat*. (Vol. 6). Tehran: Daftar Nashr Farhang Islami.

Hilli, N. (1987). *Shara‘i‘ al-Islam fi masa‘il al-halal wa-l-haram*. (Vol. 2). Qom: Ismaeilian Institute.

Hurr al-‘Amili, M. (1988). *Wasa‘il al-shi‘a*. (Vol. 15). Qom: Al al-Bayt Institute.

Ibn Abi l-Jumhur, M. (1984). *‘Awali l-li‘ali fi l-ahadith al-diniyya*. (Vol. 4). Qom: Dar Sayyid al-Shuhada li-l-Nashr.

Ibn Qayyim al-Jawziyya, M. (2004). *Madarij al-salikin*. (Vol. 1). Beirut: Dar al-Kutub al-‘Ilmiyya.

Ibn Shu‘ba al-Harrani, H. (1983). *Tuhaf al-‘uqul*. Qom: Islamic Publication Office.

Isfahani, M.H. (1988). *Al-Ijara*. Qom: Islamic Publication Office.

Izdehi, S.S. (2014). Exigency in Shiite political jurisprudence. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought.

Izdehi, S.S. (2017). The place of exigency in spying activities. *Political knowledge* 17, 89-105.

Jurjani, M.S.S. (1991). *Al-Ta‘rifat*. Tehran: Naser Khosrow Publication.

- Khomeini, S.R. (1994). *Al-Makasib al-muharrama*. (Vol. 2). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, S.R. (2006). *Al-Rasa'il*. (Vol. 2). Qom: Ismaeilian Publication.
- Khomeini, S.R. (2010). *Sahifa Imam*. (Vols. 15, 17, 21). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, S.R. (2012). *Tahrir al-wasila*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khwansari, M. (1987). *Sharh ghurar al-hikam wa-durar al-kilam*. (Vol. 1). Tehran: Tehran University Press.
- Kulayni, M. (1986). *Al-Kafi*. (Vol. 5). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Lakzaei, N. (2014). Jurisprudential studies of security. *Research letter of political science* 2, 181-206.
- Laythi al-Wasiti, A. (1997). *'Uyun al-hikam wa-l-mawa'iz*. Qom: Dar al-Hadith Publication.
- Majlisi, M.B. (1982). *Bihar al-anwar*. (Vol. 71). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi.
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir nimuna*. (Vol. 14). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Makarem Shirazi, N. (2007). *Message of the Quran*. (Vol. 4). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Motahari, M. (1999). *Collected works*. (Vol. 21, 26). Tehran: Sadra Publication.
- Mufid, M. (1992). *Al-Muqni'a*. Qom: World Congress of Shaykh Mufid.
- Na'ini, M.H. (2003). *Tanbih al-umma wa-tanzih al-milla*. Qom: Islamic Propagation Office.
- Najafi, M.H. (1983). *Jawahir al-kalam fi sharh shara'i' al-Islam*. (Vol. 21). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi.
- Naraq, M. (n.d.). *Jami' al-sa'adat*. (Vol. 1). Beirut: Mu'assasat al-A'lami li-l-Matbu'at.
- Nuri, H. (1987). *Mustadrak al-wasa'il wa-mustanbat al-masa'il*. (Vol. 11). Qom: Al al-Bayt Institute.
- Raghib al-Isfahani, H. (1991). *Mufradat alfaz al-Qur'an*. Beirut and Damascus: Dar al-Qalam and al-Dar al-Shamiyya.
- Sadr, M.B. (1978). *A portrait of the economy of the Islamic society*. Beirut: Dar al-Ta'aruf.
- Seifi, A.A. (2004). *The foundations of dynamic jurisprudence in basic jurisprudential rules*. (Vol. 1). Qom: Islamic Publication Office.
- Sobhani, J. (1992). *Mafahim al-Qur'an*. (Vol. 2). Qom: Imam Sadiq



Institute.

Soleimani Morteza, Y. (2014). A study of encroaching upon people's privacy in intelligence-security activities in the framework of jurisprudential principles and rules. *New inquiries into jurisprudence* 4, 35-56.

Tabasi, N. (2014). *Jurisprudential foundations of espionage and counterespionage*. Qom: Publications of the Specialized Center of the Pure Imams.

Tusi, M. (1986). *Tahdhib al-ahkam*. (Vol. 3). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.

Wiener, P.P. (2018). *Dictionary of the history of ideas*. K. Deihimi (Trans.). Tehran: Ney Publication.

